



The functions of memorizing the Quran in social lifestyle in Imam Khamenei's thought*

Seyed Hakim Mousavi*, Baqer Riyahi Mehr*

Abstract

Memorization of the Holy Qur'an—as a key manifestation of engagement with the Qur'an—plays a vital role in shaping a lifestyle based on divine teachings and narrations, thereby enhancing social well-being. According to Islamic texts, memorization of the Qur'an encompasses various levels, each with distinct functions in achieving an ideal lifestyle. This study aims to examine the functions of Qur'anic memorization in social life, grounded in revelatory propositions and with a specific focus on the views of the Supreme Leader of the Islamic Republic of Iran (Imam Khamenei). The research was conducted using a library-based method and a descriptive-analytical approach alongside with content analysis. The findings reveal that the most significant functions of Qur'anic memorization include: enabling social participation, benefiting from ethical teachings, strengthening cultural capital, enhancing social interactions, fostering individual and collective transformation, promoting and institutionalizing Qur'anic culture, and facilitating practical reform. The results further indicate that mere memorization of the Qur'anic text—though valuable—does not fully actualize the comprehensive benefits mentioned in religious sources. Rather, it only affects certain behavioral components. At higher levels, the memorization of Qur'anic concepts, in addition to the aforementioned outcomes, positively influences the knowledge systems of society and paves the way for behavioral changes aligned with a Qur'an-centered lifestyle.

Keywords: Qur'anic memorization, lifestyle, Imam Khamenei, function.

*. Received: ۱۳/۰۷/۱۴۰۳ SH (۰۴/۱۰/۲۰۲۴ CE) & Accepted: ۱۷/۱۱/۱۴۰۳ SH (۰۵/۰۲/۲۰۲۵ CE)

*. (Corresponding Author), M.A. in Qur'anic Sciences and the Art of Recitation, Higher Education Complex of Qur'an and Hadith Studies. Email: sydhkymmwsy۵۱@gmail.com

*. Assistant Professor, Department of Comparative Qur'anic Studies, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. Email: dr.riahi@chmail.ir



کارکردهای حفظ قرآن در سبک زندگی اجتماعی در اندیشه امام خامنه‌ای*

سید حکیم موسوی* باقر ریاحی مهر*

چکیده

حفظ قرآن کریم، به عنوان یکی از مصادیق انس با قرآن، زمینه‌ساز شکل‌گیری سبک زندگی مبتنی بر آموزه‌های وحیانی و روایات و ارتقای سلامت اجتماعی است. بر اساس متون دینی، حفظ قرآن دارای مراتب مختلف با کارکردهای متفاوت در دستیابی به سبک زندگی مطلوب است. پژوهش حاضر با هدف بررسی کارکردهای حفظ قرآن در سبک زندگی اجتماعی، بر مبنای گزاره‌های وحیانی و با تأکید بر دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب، با روش کتابخانه‌ای و رویکرد تحلیلی-توصیفی و تحلیل محتوا انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که برجسته‌ترین کارکردهای حفظ قرآن عبارتند از: نقش‌آفرینی اجتماعی، بهره‌مندی از آموزه‌های اخلاقی، تقویت سرمایه‌های فرهنگی، تعاملات اجتماعی، تحول فردی و اجتماعی، ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ قرآنی و تحولات عملی. نتایج پژوهش حاکی از آن است که حفظ صرف الفاظ قرآن، با وجود اهمیت آن، به تنهایی تأمین‌کننده تمامی مزایای ذکرشده در متون دینی نیست و صرفاً برخی از مؤلفه‌های رفتاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در مراتب بالاتر، حفظ مفاهیم قرآن کریم، علاوه بر موارد پیشین، بر حوزه دانشی جامعه نیز اثرگذار بوده و زمینه را برای تغییر رفتار و انطباق آن با سبک زندگی مبتنی بر آموزه‌های قرآن فراهم می‌سازد.

واژگان کلیدی: حفظ قرآن کریم، سبک زندگی، امام خامنه‌ای، کارکرد.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۳ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷

*. کارشناسی ارشد علوم و فنون قرانات، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث (نویسنده مسئول):

sydhkymmwsy۵۱@gmail.com

*. استادیار گروه مطالعات تطبیقی قرآن جامعه‌ی المصطفی‌العالمیه، قم، riahi@chmail.ir



مقدمه

حفظ قرآن کریم، به عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق عمل دینی و فرهنگی در اسلام، تأثیرات قابل توجهی بر ابعاد مختلف زندگی اجتماعی دارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی کارکردهای حفظ قرآن در سبک زندگی اجتماعی، با رویکردی مبتنی بر آموزه‌های قرآن و عترت و با تأکید بر دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب، انجام می‌شود. حفظ قرآن، فراتر از نقش محوری خود در ترویج اصول دینی و اخلاقی، بر تعاملات انسانی، تعالی روحی و ارتقای ارزش‌های اجتماعی نیز اثرگذار است.

در این پژوهش، ضمن بررسی اهمیت حفظ قرآن در زندگی اجتماعی، به تبیین ارتباط آن با تعاملات بین فردی و گروهی و همچنین انعکاس دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب در این زمینه پرداخته می‌شود. هدف غایی این پژوهش، دستیابی به درک عمیق‌تری از نقش حفظ قرآن در فرهنگ و زندگی اجتماعی و ارائه راهکارهایی برای بهبود ارتباطات و ارتقای ارزش‌های جامعه است.

از منظر اسلام، جامعه به عنوان بستری پویا و تأثیرگذار، نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت انسان ایفا می‌کند. محیط اجتماعی در جوامع مختلف، متناسب با مقتضیات زمان و مکان، همواره در حال تغییر و تحول است. در عصر حاضر، با گسترش ارتباطات و رسانه‌ها، شاهد نقش‌آفرینی پررنگ آن‌ها در شکل‌دهی به آرمان‌ها و فرهنگ اجتماعی هستیم. شبکه‌های جهانی، به عنوان ابزاری قدرتمند، بر افکار عمومی تأثیر بسزایی دارند. از این رو، دین مبین اسلام همواره به سبک زندگی اسلامی توجه داشته و با ارائه رهنمودهای جامع، انسان را در مسیر رشد و تعالی هدایت می‌کند.

متفکران و کارگزاران جامعه، با توجه به تغییرات سریع اجتماعی، ظهور شیوه‌های نوین زندگی، تغییر نگرش‌ها و هنجارها و بروز مسائل اخلاقی و اجتماعی، به ضرورت ارتقای سبک



زندگی اجتماعی مبتنی بر فرهنگ اسلامی توجه ویژه‌ای دارند. در این راستا، پژوهش حاضر به بررسی کارکردهای حفظ قرآن در سبک زندگی اجتماعی، با رویکردی مبتنی بر آموزه‌های قرآن و عترت و با تأکید بر دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب می‌پردازد.

مفهوم شناسی

در پژوهش‌های علمی، تبیین دقیق مفاهیم کلیدی، امری ضروری است. این مفاهیم، هسته اصلی هر تحقیق را تشکیل داده و چارچوبی برای درک و تحلیل صحیح آن فراهم می‌آورند.

الف) حفظ

واژه حِفْظ (به کسر حاء و سکون فاء)، از واژگان قرآنی به معنای نگهداری و مراقبت است. مشتق این واژه در قرآن به صورت «حَفِیْظ» (به فتح حاء)، به معنای مراقب آمده است. (قرشی بنابی، ۱۴۱۲: ۱۵۵/۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۴۴؛ ابن فارس، ۱۳۹۹: ۸۷/۲؛ طریحی ۱۳۷۵: ۲۸۵/۴) همچنین واژه حِفْظ به معنای «سخن را از بر کردن» و «به خاطر سپردن» نیز به کار رفته است. فعل «حَفَظَ تَحْفِیْظاًهُ الْکَلَامَ» به معنای «او را وادار کرد که آن سخن را حفظ کند» است. (جبران مسعود، ۱۳۹۳: ۶۸۸/۱)

در اصطلاح، حفظ به معنای یادگرفتن و از بر کردن قرآن کریم است. (زبیدی، ۱۴۱۴: ۲۱۸/۲۰) مراد از حفظ قرآن، به خاطر سپردن آیات کلام‌الله مجید و توانایی از بر خواندن آن است. «حِفْظُ الْقُرْآن» یعنی «از بر کردن» که ضد آن فراموشی است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۴۲/۷) در روایات آمده است که در صدر اسلام، به کسانی که قرآن را حفظ می‌کردند، «حافظ» گفته نمی‌شد، بلکه این کلمه بعد از قرن اول در این معنا به کار رفته است. (عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۳، ص ۲۳۱) از معنای لغوی نیز استنباط می‌شود که کسانی که آیات



قرآن را می‌خواندند و در حافظه خود ذخیره می‌کردند، حافظ قرآن نامیده می‌شدند. کلمه حافظ نیز به صورت «حَفَظَهُ»، «حِفاظ» و «حافظون» (جمع) به کار رفته است. (بستانی، ۱۳۷۵: ۳۱۴) در صدر اسلام، از حافظان قرآن با عناوینی چون «حَمَلَةُ الْقُرْآن»، «قُرَّاءُ الْقُرْآن»، «جَمَاعُ الْقُرْآن» و «الماهر فی القرآن» نیز یاد می‌کردند. (امین، دائرةالمعارف تشیع، ج ۶، ص ۳۸۵) بنابراین، یکی از معانی لغوی، با معنای اصطلاحی واژه حفظ همخوانی دارد.

ب) سبک زندگی

واژه «سبک» در زبان عربی، در اصل به معنای ذوب کردن طلا و نقره و ریختن آن‌ها در قالب است. فعل «سَبَّكَ» به معنای «ذَوَّبَهُ و أفرغه فی قالب» (ذوب کرد و در قالب ریخت) به کار می‌رود. «سبیکه» به قطعه طلا یا نقره‌ای گفته می‌شود که در قالب آهنی ریخته شده و به شکل خاصی درآمده است. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۱۷/۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۳۸/۱۰).

نویسندگان زبان فارسی، این واژه را در نثر و قافیه با کاربردی خاص به کار می‌بردند. (دهخدا، ۱۳۷۲: ۲۴۹/۲۹) بعدها، معنای این کلمه توسعه یافت و به هر چیزی که روش خاصی دارد، اطلاق شد. مانند سبک زندگی، سبک گفتار، شیوه نوشتن و موارد مشابه.

برای سبک زندگی تعاریف متعددی ذکر شده است که به اختصار این مفهوم توضیح داده خواهد شد.

۱- حالت یک موجود زنده که با رشد، نمو و پاسخ به محرک‌ها مشخص می‌شود و آن را از جماد جدا می‌کند؛ زنده‌بودن. ۲- مجموعه فعالیت‌هایی که فرد در یک دوره زمانی معین انجام می‌دهد؛ در دوره یا دوره معینی از زندگی دانشجویی، مجردی، زندگی خود را چگونه می‌گذرانید یا زندگی می‌کنید. ۳- وسایل و امکانات لازم برای رفاه، آسایش و بقای یک فرد؛ زندگی من را به حراج گذاشتی. ۴- دوره زمانی یا مدت‌زمانی که در طی آن شخص یا شیء



زندگی می‌کند؛ دوره بین تولد و مرگ (زندگی)؛ عمرش کوتاه بود. ۵- مجموعه رویدادها و تجربیات فردی هر کس در این دوره؛ انگار می‌گویند چه انتظاری دارید، این زندگی است؛ هم خوشبختی هست و هم بدبختی. (انوری، ۱۳۸۱: ۳۸۸۹/۵) دهخدا واژه «زندگی» را به این معانی آورده است: ۱- زندگانی؛ حیات نقیض مرگ زندگانی؛ مقابل مرگ و ممات و آن صفتی است مقتضی حس و حرکت ۲- به معنای عمر. ۳- به معنای زندگانی، معاش، عیش، معیشت. (دهخدا، ۱۳۷۲: ۴۹۱/۲۴)

جامعه‌شناسان تعاریف مختلفی از سبک زندگی ارائه کرده‌اند. در اینجا ما به چند مورد به تعاریفی که علما ذکر کرده‌اند اشاره می‌کنیم. «آدلر» در مورد سبک زندگی می‌گوید که سبک زندگی به معنای کلیت منحصربه‌فرد زندگی است که همه فرآیندهای عمومی زندگی تحت آن قرار می‌گیرند. خلاقیتی است حاصل از آشتی با محیط و حدود آن است که همه رفتارها و تجربیات انسان را در واحد هدایت می‌کند و متشکل از خلق‌و‌خو و شخصیت فرد است. (آدلر، دین و سبک زندگی، ص ۵۳) محمد فضلی می‌گوید سبک زندگی مجموعه‌ای از رفتارها است که بر اصل انسجام حاکم است و حوزه‌ای از زندگی را در برمی‌گیرد. درنهایت، سبک زندگی نتیجه انتخاب افراد از میان محدودیت‌های ساختاری آن‌هاست. (فاضلی، ۱۳۸۲: ۸۳)

ج) جایگاه حافظان قرآن در نظام اسلامی

حفظ قرآن کریم همواره در نزد بزرگان دین و اندیشمندان اسلامی از جایگاه والایی برخوردار بوده است. رسول گرامی اسلام (ص) به عنوان نخستین حافظ قرآن و همچنین ائمه معصومین (علیهم‌السلام)، همواره از حافظان قرآن با احترام یاد کرده و آنان را در جایگاهی رفیع، هم‌تراز با پیامبران و اولیای الهی، قرار داده‌اند. احادیث و روایات متعددی از معصومین (علیهم‌السلام) در این زمینه وجود دارد که بر اهمیت و فضیلت حفظ قرآن تأکید می‌کنند.



پیامبر اکرم (ص) در حدیثی خطاب به سلمان فارسی، به ارزش حفظ قرآن و مقام حافظان آن اشاره کرده و فرموده‌اند: «إِنَّ أَكْرَمَ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ بَعْدَ الْأَنْبِيَاءِ الْعُلَمَاءُ ثُمَّ حَمَلَةُ الْقُرْآنِ يَخْرُجُونَ مِنَ الدُّنْيَا كَمَا يَخْرُجُ الْأَنْبِيَاءُ وَيُحْشَرُونَ مِنْ قُبُورِهِمْ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ وَيَمْرُونَ عَلَى الصِّرَاطِ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ وَيَأْخُذُونَ ثَوَابَ الْأَنْبِيَاءِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹/۸۹). بر اساس این حدیث، پس از انبیاء، دانشمندان و سپس حاملان قرآن، گرامی‌ترین بندگان نزد خداوند هستند. آنان همانند انبیاء از دنیا می‌روند، همراه آنان از قبرها برمی‌خیزند، در کنار آنان از صراط عبور می‌کنند و پاداش آنان را دریافت می‌کنند. بزرگان دین، به‌ویژه پیامبر اکرم (ص)، نه تنها در آخرت به بیان مقام حافظان قرآن اکتفا نکرده‌اند، بلکه در دنیا نیز آنان را مورد تکریم قرار داده و در امور سیاسی و اجتماعی نیز به آن‌ها جایگاه ویژه‌ای بخشیده‌اند. این امر نشان‌دهنده اهمیت و نقش حافظان قرآن در جامعه اسلامی است.

د) تکریم اهل قرآن در اندیشه مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری، با تأکید بر جایگاه والای قرآن در جامعه، بر ضرورت تکریم قاریان و ترویج تلاوت قرآن در محافل عمومی تأکید دارند. ایشان معتقدند که باید تدابیری اتخاذ شود تا قاریان قرآن نیز همچون وعاظ، فرصت حضور بر منابر را داشته باشند و به تلاوت کلام الهی بپردازند. به باور ایشان، تلاوت قرآن باید به گونه‌ای باشد که مستقیماً بر دل‌های مردم اثر گذاشته، موجب خشوع، اشک و تحول درونی شود.

ایشان با انتقاد از رویکرد رایج که در آن، تلاوت قرآن صرفاً به عنوان مقدمه‌ای برای سخنرانی تلقی می‌شود، به تجربه شخصی خود در سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۳ در مشهد اشاره می‌کنند. در آن زمان، ایشان پس از سخنرانی، بر روی زمین می‌نشستند و قاریان قرآن بر روی صندلی‌ای که به منزله منبر بود، به تلاوت می‌پرداختند. ایشان این رویکرد را به عنوان مقدمه‌ای



برای تلاوت قرآن توصیف می‌کردند و معتقد بودند که تلاوت قرآن باید محور اصلی برنامه باشد.

به نظر ایشان، امت حزب‌الله باید به تدریج با قرآن آشنا شوند و بتوانند مستقیماً کلام الهی را از قاریان بشنوند و درک کنند. ایشان بر این باورند که قاریان باید بتوانند در محافل و مجالس، بر روی منبر رفته و با تلاوت آیات قرآن، موجب تأثر و اشک مردم شوند. ایشان تأکید دارند که باید به این هدف دست یافت که تلاوت قرآن، تأثیر عمیقی بر مخاطبان داشته باشد. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با قاریان قرآن، ۱۳۷۰/۱/۲۲، <https://khl.ink/f/>، ۲۴۶۳)

۱. تکریم علامه طباطبایی

مقام معظم رهبری، ضمن تکریم مقام علمی علامه طباطبایی، به نقش برجسته تفسیر المیزان در شکل‌گیری تفکر اسلامی در میان طلاب اشاره می‌کنند. ایشان بیان می‌دارند که در محافل حوزوی، تفکر رایج محدود به آموزش احکام شرعی بود و ایده ایجاد جامعه، نظام و حکومت اسلامی چندان مطرح نبود. اما مطالعه کتب اسلامی، به‌ویژه تفسیر المیزان، موجب گرایش ایشان و برخی دیگر از طلاب به این تفکر شد. اگرچه علامه طباطبایی خود به‌طور مستقیم در مبارزات سیاسی شرکت نداشتند، اما اثر علمی ایشان، راهگشای تفکر اسلامی برای نسل جوان آن زمان بود. (امام خامنه‌ای، مصاحبه با صداوسیما، ۱۳۶۰/۷/۱۹، <https://khl.ink/f/>، ۲۰۱۶۳)

ایشان همچنین با تأکید بر اهمیت ترویج قرآن در جامعه، معتقدند که برای فراگیر شدن آموزش قرآن، باید قاریان و حافظان قرآن را در جایگاه ویژه‌ای قرار داد و از آن‌ها تکریم کرد. ایشان این امر را مشابه ترویج ورزش همگانی از طریق تکریم قهرمانان ورزشی می‌دانند. به باور ایشان، اگر قرار است قرآن در خانه‌ها، میان کودکان، بزرگسالان، زنان و مردان رواج یابد، باید از حاملان قرآن تجلیل شود. این تکریم، به دلیل ارزشمندی زبان، لب‌ها و دل‌های قاریان و حافظان قرآن است که با کلام الهی تجلی می‌یابند. ایشان تأکید می‌کنند که جان انسان‌ها به دلیل



انتساب به قرآن، ارزشمند است. (امام خامنه‌ای، بیانات در مراسم اختتامیه پانزدهمین دوره مسابقات قرآن، ۱۳۷۷/۹/۱، <https://khl.ink/f/>، ۲۹۱۹)

۲. تکریم قاریان برجسته

مقام معظم رهبری، با تأکید بر جایگاه والای قاریان قرآن، به تبیین ویژگی‌های برجسته برخی از قاریان مشهور مصری، به‌ویژه شیخ مصطفی اسماعیل، پرداخته‌اند. ایشان، شیخ مصطفی اسماعیل را قاری‌ای بی‌نظیر توصیف کرده و معتقدند که تلاوت او دارای عناصری است که شایسته تقلید است. به باور ایشان، علاوه بر صوت و کیفیت قرائت حروف و کلمات، شیخ مصطفی اسماعیل در تلاوت کلمات قرآنی، احساس و جان می‌بخشید. به عبارت دیگر، او با تلاوت آیات، احساساتی را در شنونده برمی‌انگیخت که دقیقاً مطابق با مضمون آیه بود.

ایشان به عنوان نمونه، به تلاوت آیات مربوط به داستان پسر نوح در سوره هود اشاره می‌کنند که در آن، شیخ مصطفی اسماعیل، همزمان احساس رحمت پدری و نفرت از کفر فرزندان را به مخاطب القا می‌کرد.

این توانایی در القای احساسات متناسب با آیات، از نظر ایشان، بسیار حیاتی و تأثیرگذار در تقویت اثرگذاری قرآن بر مخاطب است. ایشان همچنین، شیخ عبدالفتاح را نیز در این زمینه، شبیه به شیخ مصطفی اسماعیل دانسته‌اند و منشأی را نیز از جمله شخصیت‌های برجسته در حوزه تلاوت قرآن معرفی می‌کنند. (امام خامنه‌ای، دیدار قاریان قرآن، ۱۳۸۹/۴/۲۴، <https://khl.ink/f/>، ۹۷۴۳)

مقام معظم رهبری، ضمن اشاره به خاطرات خود از دوران جوانی و تلاش برای شنیدن تلاوت قاریان مصری از رادیو، به نقش خود در ترویج سبک تلاوت شیخ مصطفی اسماعیل در ایران اشاره می‌کنند. ایشان بیان می‌دارند که در آن زمان، شناخت از قاریان مصری در ایران محدود به عبدالباسط بود، اما ایشان با تهیه نوارهای شیخ مصطفی اسماعیل و تکثیر آن‌ها، به



گسترش شهرت و محبوبیت این قاری برجسته در ایران کمک کردند. ایشان همچنین، به تأثیر عمیق تلاوت‌های شیخ مصطفی اسماعیل بر قاریان ایرانی اشاره کرده و معتقدند که امروزه، بسیاری از قاریان ایرانی، سبک تلاوت شیخ مصطفی اسماعیل را الگوی خود قرار داده‌اند.

ایشان همچنین، به تلاوت‌های شحات محمد انور اشاره کرده و تلاوت او از آیه‌ای از سوره نساء را بسیار خوب توصیف می‌کنند. (امام خامنه‌ای، مراسم تودیع قاریان قرآن استاد شحات محمد انور و استاد محمد بسیونی، ۱۳۶۹/۱۲/۱، <https://khl.ink/f/>، ۲۴۲۹)

مقام معظم رهبری، در دیدار با قاریان قرآن، ضمن ابراز خرسندی از ملاقات با آنان، به ویژه شیخ راغب مصطفی غلوش، به جایگاه رفیع حاملان قرآن اشاره کرده و می‌فرماید: «شرف شما به قرآن است و تلاوت قرآن بزرگ‌ترین شرف است همچنان که پیغمبر فرمود که «أَشْرَفُ أُمَّتِي حَمَلَةُ الْقُرْآنِ» (صدوق، ۱۳۶۲: ۲۳۲/۱۶) ایشان، قاریان قرآن را دارای رسالت سنگین و مسئولیت بزرگی دانسته و معتقدند که حضور آنان در هر مکانی، می‌تواند بسیار مؤثر باشد و حتی گاهی یک ملت را با یک تلاوت منقلب کرد. ایشان تأکید می‌کنند که به برکت صوت قرآن و محبتی که مردم به قاریان دارند، می‌توان تحولاتی را در جامعه ایجاد کرد.

واکاوی کارکردهای حفظ قرآن در سبک زندگی اجتماعی

حفظ قرآن کریم، به عنوان یک مهارت و عمل دینی، دارای کارکردهای متعددی در سبک زندگی فردی و اجتماعی است. اهمیت این موضوع به ویژه در جوامع اسلامی و در مواجهه با چالش‌های فرهنگی و مذهبی معاصر، بیش از پیش آشکار می‌شود. با این حال، تأکید بر این نکته ضروری است که حفظ قرآن نباید صرفاً به حفظ لغات و عبارات محدود شود، بلکه باید با درک عمیق معانی و مفاهیم آن همراه باشد. از این رو، تربیت حافظان قرآن باید با هدف بهره‌گیری از این مهارت در زندگی فردی و اجتماعی صورت پذیرد.



در واقع، اگر حفظ قرآن تنها با هدف جلوگیری از تحریف و تخریب کلام الهی صورت پذیرد، کارکرد محدودی خواهد داشت. انگیزه‌های حفظ قرآن کریم متنوع است و باید بر اساس «نیاز»، «توانایی» و «سلیقه» عموم مردم برنامه‌ریزی شود. در غیر این صورت، با توجه به دشواری‌های حفظ و استقرار آن برای عموم، گسترش این مهارت با چالش‌های جدی روبرو خواهد شد. بر این اساس، در ادامه به برخی از کارکردهای حفظ قرآن کریم اشاره می‌شود:

۱. نقش آفرینی اجتماعی

در عصر نبوی، حفظ قرآن کریم از چنان اهمیتی برخوردار بود که حتی بردگان حافظ قرآن، از جایگاه اجتماعی بالاتری نسبت به سایر افراد جامعه برخوردار بودند. مسلمانان به یادگیری و حفظ قرآن اهتمام ویژه‌ای داشتند و شخصیت افراد تا حد زیادی بر اساس میزان حفظ آیات قرآن تعیین می‌شد. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۱۷/۱۱) به عنوان مثال، هنگامی که مهاجران به مدینه هجرت کردند، سالم، غلام ابوحذیفه، به دلیل آگاهی بیشتر از روش‌های قرائت و حفظ قرآن، به عنوان امام جماعت گروه مهاجران انتخاب شد. (محمد سالم، ۱۴۱۲: ۲۵۷/۱).

جایگاه والای قاریان و حافظان قرآن در میان مردم عصر پیامبر اکرم (ص) بر کسی پوشیده نیست. به همین دلیل، اسامی حافظان قرآن در آن دوران به ثبت رسیده و نام حضرت علی (ع) در صدر این فهرست می‌درخشد.

بر اساس سطح دانش و حفظ قرآن، مناصب و مسئولیت‌های متعددی از جمله رهبری و مدیریت گروه‌ها به حافظان قرآن محول می‌شد. به عنوان نمونه، در روایتی آمده است که پیامبر اکرم (ص) در پی اعزام گروهی برای انجام مأموریت، از میزان حفظ قرآن آنان سؤال کرد. جوانی که از همه کوچک‌تر بود، اعلام کرد که سوره بقره را حفظ کرده است. پیامبر (ص) در پاسخ به اعتراض حاضران مبنی بر کوچکی سن آن جوان، فرمود: «بروید! این مرد جوان شاهزاده شماس است، زیرا سوره بقره را حفظ کرده است.» (بیستونی، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن ج



۱ ص ۵۵) همچنین، در تشیع شهدای احد، پیامبر (ص) دستور دادند که فردی که بیشترین میزان حفظ قرآن را دارد، مقدم بر دیگران دفن شود. (محمدی، ۱۳۸۴: ۲۵۲۳/۳)

بزرگان دین به ویژه رسول اکرم (ص)، نه تنها در آخرت به بیان مقام حافظان قرآن اکتفا نکردند، بلکه در دنیا و در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز به آنان ارج نهادند. در جنگ‌ها، یکی از معیارهای انتخاب رهبران جنگ، علاوه بر توانایی‌های رزمی و مدیریتی، میزان حفظ قرآن بود. پست‌های حساس و کلیدی جامعه اغلب به حافظان قرآن کریم اختصاص می‌یافت. سهم حافظان قرآن از بیت‌المال بیشتر از دیگران بود و حتی در مجازات آنان نیز با احترام و ملاحظه رفتار می‌شد. این جایگاه والا، ناشی از برکت وجود مقدس قرآن کریم بود.

در روایتی آمده است که مردی نزد امام علی (ع) به سرقت اعتراف کرد. امام (ع) پس از اطلاع از حفظ سوره بقره توسط او، فرمود: «در مقابل این سوره، دست تو را بخشیدم و آن را قطع نمی‌کنم.» (طبرسی، ۱۴۱۵: ۴۶/۱)

این روایت، نشان‌دهنده ارزش والایی است که امام علی (ع) برای حفظ قرآن قائل بودند. همچنین، پیامبر اکرم (ص) در تقسیم مسئولیت‌ها و مناصب اجتماعی و حکومتی، به قاریان قرآن توجه ویژه‌ای داشتند. ایشان دستور دادند که هر مسلمانی که قرآن را بیش از دیگران آموخته، جمع‌آوری کرده یا حفظ کرده است، باید برای مرده نماز بخواند. (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۸۹/۸) در روایات دیگر نیز آمده است که پیامبر (ص) در اعزام گروه‌ها به سفر، از میزان حفظ قرآن آنان سؤال می‌کرد و فردی را که بیشترین میزان حفظ را داشت، به عنوان پیشوا و رهبر گروه انتخاب می‌کرد.

در مسائل مادی نیز، به قاریان و حافظان قرآن توجه خاصی می‌شد و بخشی از بیت‌المال به آنان اختصاص می‌یافت. امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود: «هر که اسلام آورد و اطاعت کند و



تلاوت کند و قرآن را حفظ کند، هر سال دویست دینار از بیت‌المال بهره‌مند می‌شود.» (طبرسی،

(۱۴۱۵: ۴۶/۱)

این رویکرد معصومین (ع) نسبت به حافظان قرآن، نشان‌دهنده جایگاه والای آنان در جامعه اسلامی است. بر این اساس، حافظان قرآن می‌توانستند بالاترین مسئولیت‌های سیاسی و اجتماعی را بر عهده بگیرند و به راحتی اعتماد دولت را جلب کنند. حتی بدون پذیرش هیچ مسئولیتی، می‌توانستند به دلیل عظمت آنچه در سینه داشتند، سهم بیشتری از بیت‌المال دریافت کنند.

در ایران، به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حافظان قرآن کریم در بین مسئولان و مردم از احترام خاصی برخوردار بوده‌اند. رویکرد حاکمیت به معنای عام آن، یعنی مجموعه نظام‌های اسلامی، رویکردی مثبت بوده است. با این حال، هنوز جایگاه ممتازی که حافظان قرآن در صدر اسلام داشتند، به طور کامل محقق نشده است.

۲. توصیه‌های اخلاقی

در سیره نبوی، توصیه‌های اخلاقی ویژه‌ای به حافظان و حاملان قرآن کریم ارائه شده است که نشان‌دهنده جایگاه اجتماعی مهم و مسئولیت خطیری است که این افراد در جامعه اسلامی بر عهده داشته‌اند. این توصیه‌ها، بیانگر توجه خاص پیامبر اکرم (ص) به رفتار و کردار اهل قرآن و تأثیرگذاری آنان بر جامعه است.

حفظ قرآن، به عنوان کلام الهی و کتاب هدایت، افتخار و امتیازی بزرگ برای مسلمانان محسوب می‌شود. این جایگاه ویژه، حاملان قرآن را در جامعه دینی و مسلمانان، مورد توجه قرار داده و آنان را به عنوان الگوهایی برای سایر مؤمنان معرفی کرده است.

این امر، ریشه در فرهنگ دینی داشته و مورد تأیید است. چنانکه امام صادق (ع) با استناد به قول جدش پیامبر (ص) می‌فرماید: «اهل قرآن از عالی‌ترین درجات معنوی انسان‌ها هستند، از



حقوق اهل قرآن تضييع مکن که آنان نزد خداوند مقام و منزلتی دارند.» (شیخ صدوق، ۱۳۶۲: ۹۹).

با این حال، این جایگاه، مسئولیت سنگینی را بر دوش حافظان و حاملان قرآن می‌گذارد. آنان همواره به عنوان الگوی رفتاری سایر مسلمانان، تحت نظارت دقیق قرار دارند. حسن و سلامت اخلاقی آنان، بر سایر افراد جامعه نیز تأثیرگذار است. از سوی دیگر، انحرافات اخلاقی و صفات ناپسند در حاملان قرآن، می‌تواند منجر به تضعیف جایگاه آنان در جامعه و حتی تمسخر قرآن و پیروان آن شود.

پیامبر اکرم (ص) با درک این مسئولیت خطیر، توصیه‌های اخلاقی ویژه‌ای را به حاملان قرآن ارائه داده‌اند. ایشان در احادیث خود می‌فرمایند: «سزاوارترین تواضع در آشکار و نهان، حافظ قرآن است. سزاوارترین مردم به نمازخواندن و روزه گرفتن در پنهان و آشکار، حافظ قرآن است.» سپس با صدای بلند فرمودند: «ای حامل قرآن، در برابر قرآن خضوع کن. خداوند مقامت را بالا ببرد و از تکبرت بکاهد تا خداوند تو را احق نسازد. ای حامل قرآن، خودت برای خدا قرآن بخوان تا خداوند تو را زینت دهد. اگر برای مردم بخوانی، پس خداوند تو را با آن رسوا می‌کند، و هر که قرآن را ختم کند، گوئی نبوت را در سینه خود می‌گذارد، مگر اینکه بر او وحی نازل نمی‌شود. کسی که قرآن را در دل دارد، از غافلان غافل نمی‌شود، بر غضبناکان خشم نمی‌گیرد و با او سخت‌گیری نمی‌کند، بلکه به عفو و گذشت می‌پردازد.» (حر عاملی، ۱۳۸۰: ۱۸۱/۶).

این توصیه‌ها، نشان‌دهنده‌ی موشکافی دقیق پیامبر (ص) در جایگاه حاملان قرآن است. تأکید ایشان بر انجام عبادات و تذلل و خشوع در برابر خداوند، هم در نهان و هم به صورت آشکار، حائز اهمیت است. حاملان قرآن، در معرض خطرات و مفاسد اخلاقی و اجتماعی قرار



دارند. بنابراین، اگر مراقب و خودساز نباشند، نمی‌توانند با اطمینان خاطر، راه معرفت را طی کنند و احتمال لغزش آنان وجود دارد.

در فرهنگ دینی، معمولاً انجام عبادات واجب در ملأ عام و عبادات مستحب در خفا، فضیلت دارد. هر یک از این دو روش، ثمرات و آثار متفاوتی دارد.

بر اساس تأکیدات پیامبر (ص)، حامل قرآن، برای استعانت از خداوند متعال در انجام وظایف و مصون ماندن از اشتباهات، باید رابطه خود را با خداوند، به‌ویژه در خلوت، تقویت کند. این رابطه، به او کمک می‌کند تا خدا را بشناسد، راه درست را تشخیص دهد و در صراط مستقیم ثابت قدم بماند. (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۹۴: ۴۷)

۳. سرمایه فرهنگی

در منظومه فکری اسلام، حفظ قرآن کریم به عنوان یک فضیلت و ارزش والا، دارای آثار و برکات متعددی در زندگی فردی و اجتماعی انسان است. یکی از مهم‌ترین این برکات، غنای فرهنگی است که به مثابه زیربنا و سرچشمه سایر برکات این کتاب آسمانی تلقی می‌شود. از منظر آموزه‌های اسلامی، قرآن کریم ارزشمندترین سرمایه فرهنگی به شمار می‌رود؛ به گونه‌ای که دارنده آن، از هر گونه فقر و نیاز فرهنگی بی‌نیاز است و در مقابل، کسی که از این سرمایه بی‌بهره باشد، هر چند از نظر مادی و اقتصادی پیشرفته باشد، همچنان محتاج و نیازمند است.

پیامبر اکرم (ص) در این زمینه می‌فرماید: «القرآن غنی لا فقر بعده ولا غنی دونه» (متقی هندی، ۱۳۷۴: ۵۱۶/۱) این حدیث شریف، به صراحت بیان می‌کند که قرآن، ثروتی است که با وجود آن، فقری وجود ندارد و بدون آن، هیچ ثروتی نمی‌تواند انسان را بی‌نیاز کند.

این بیان، نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه بی‌بدیل قرآن به عنوان منبع غنای فرهنگی است. امام علی (ع) نیز ضمن تأکید بر این غنای فرهنگی، مسلمانان را از غفلت نسبت به این سرمایه عظیم فرهنگی برحذر داشته و آنان را به بهره‌گیری از آن در حل مشکلات و مصائب گوناگون



فرامی خوانند: «اعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَ الْقُرْآنِ مِنْ فَاقَةٍ، وَ لَا لِأَحَدٍ قَبْلَ الْقُرْآنِ مِنْ غِنَى، فَاسْتَشْفَوْهُ مِنْ أَدْوَانِكُمْ، وَ اسْتَعِينُوا بِهِ عَلَى لَأْوَانِكُمْ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶).

ایشان در این بیان، تصریح می کنند که کسی با داشتن قرآن، نیازی نخواهد داشت و بدون آن، هیچ مالی نمی تواند او را بی نیاز کند. بنابراین، قرآن باید به عنوان مرجع و منبع تسکین، شفا و کمک در حل مشکلات و مصائب مورد توجه قرار گیرد.

حامل و حافظ قرآن کریم، با توجه به ارزش و غنای فرهنگی این کتاب آسمانی، خود را از هر جهت غنی و بی نیاز می داند و اجازه نمی دهد کسی را ثروتمندتر از خود تصور کند، حتی اگر آن فرد، تمامی دارایی های دنیا را در اختیار داشته باشد. پیامبر اکرم (ص) در این باره می فرمایند: «لَا يَنْبَغِي لِحَامِلِ الْقُرْآنِ أَنْ يَرَى أَنَّ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ أَغْنَى مِنْهُ وَ لَوْ مَلَكَ الدُّنْيَا بِرُحْبَاهَا» (صدوق، ۱۳۶۲: ۲۷۹).

این حدیث، نشان دهنده جایگاه رفیع حاملان قرآن و بی نیازی آنان از هر گونه ثروت مادی است و تأکید دارد که غنای معنوی ناشی از حفظ قرآن، بر هر ثروت مادی برتری دارد. در حدیث دیگری نیز از پیامبر (ص) نقل شده است: «مَنْ أَعْطَاهُ اللَّهُ حِفْظَ كِتَابِهِ فَظَنَّ أَنَّ أَحَدًا أُعْطِيَ أَفْضَلَ مِمَّا أُعْطِيَ فَقَدْ غَمَطَ أَفْضَلَ النِّعَمَةِ» (متقی هندی، ۱۳۷۴: ۵۱۸/۱).

بر اساس این حدیث، کسی که خداوند نعمت حفظ قرآن را به او عطا کرده است، اگر گمان کند که به کسی بهتر از او عطا شده است، بزرگ ترین نعمت الهی را دست کم گرفته و قدر آن را نشناخته است. همچنین، در سخن دیگری از پیامبر (ص) آمده است: «مَنْ أُوتِيَ الْقُرْآنَ فَظَنَّ أَنَّ أَحَدًا مِنَ النَّاسِ أُوتِيَ أَفْضَلَ مِمَّا أُوتِيَ فَقَدْ غَمَطَ مَا حَقَّرَ اللَّهُ وَ حَقَّرَ مَا عَظَّمَ اللَّهُ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۰۴/۲).

این بیان نورانی، بیانگر این است که کسی که قرآن به او داده شده است، اگر گمان کند که به کسی بهتر از او عطا شده است، در واقع، آنچه را که خداوند کوچک می شمارد بزرگ می دارد



و آنچه را که خداوند بزرگ می‌شمارد کوچک می‌پندارد. این امر، نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه بی‌بدیل قرآن در نظام ارزشی اسلام است.

۴. تقویت تعاملات اجتماعی

در جامعه دینی، دین، مهم‌ترین عامل ارتباط اجتماعی است و ارتباطات باید بر اساس تفکر و اعتقاد شکل بگیرند، نه بر اساس روابط خویشاوندی، قومیتی یا نژادپرستانه. بنابراین، ارتباطات سیاسی نیز باید بر مبنای اصول دینی استوار باشند.

در زندگی اسلامی، عدالت، مهربانی و ایمان، شروط اساسی برقراری ارتباط هستند. بر اساس آموزه‌های اسلامی، نمی‌توان صرفاً برای رفع نیازهای مختلف با هر کسی ارتباط برقرار کرد. در این آموزه‌ها، بر شناخت و انتخاب مخاطب، شرایط و آداب ارتباط، تأکید شده است. شریک ارتباطی هر فرد، نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت و سبک زندگی او دارد. از این رو، قطع ارتباط با افراد بداخلاق، بهتر از برقراری ارتباط با آنان دانسته شده است.

با توجه به مطالب فوق، تدبیر، فهم و توجه به قرآن کریم، یکی از راه‌های برقراری ارتباط سالم با دیگران است. تلاوت و حفظ قرآن، زمینه را برای تدبیر و فهم آن فراهم می‌کند و در نتیجه، فرد می‌تواند ارتباطات سالم و سازنده‌ای را در جامعه برقرار کند.

یکی از شروط سبک زندگی سالم، برقراری ارتباط بین افراد بر اساس اصل عدالت است: «وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ» (شوری/۱۵)؛ «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل/ ۹۰). این آیه، جامع‌ترین آیه در مورد اصلاح جامعه انسانی و ایجاد جامعه‌ای سالم و سعادتمند بر اساس ارزش‌های اخلاقی است. این آیه، به طور خلاصه، راه رسیدن جامعه به سعادت و عظمت را بیان می‌کند. اگر این آیه به صورت قانون اجرا شود، به بهبود ساختارهای فردی و گروهی، ساماندهی روابط اجتماعی و مناسب منجر خواهد شد.



بر اساس این آیه، خداوند، مردم را به سه چیز امر و از سه چیز نهی می‌کند. سه امری که خداوند به آن دستور داده است، عبارتند از: عدالت، احسان و ایتاء ذی‌القربی (دادن حق به خویشاوندان). عدالت، به معنای دستیابی هر فرد به جایگاه شایسته خود و توزیع عادلانه و مناسب منابع جامعه است که زمینه رشد و شکوفایی را برای همه فراهم می‌کند. همان‌طور که حکومت باید با مردم بر اساس عدالت رفتار کند، مردم نیز باید در روابط خود با یکدیگر بر اساس عدالت و انصاف عمل کنند.

احسان، بالاتر از عدالت است. عدالت، باعث می‌شود که همه به حقوق خود برسند، اما احسان، فراتر از آن، سعی در ایجاد رفاه و آسایش برای مردم دارد و از روحیه ایثار و از خودگذشتگی سرچشمه می‌گیرد. البته، همان‌طور که در نهج‌البلاغه در کلام امیرالمؤمنین (ع) آمده است، عدالت در بعد عمومی و اجتماعی، بهتر از صدقه است، اما از نظر فردی، صدقه ارزش بیشتری دارد.

رسیدگی به خویشاوندان، ارتباط با آنان و اعطای حقوق آنان، از دیگر فضیلت‌هایی است که در این آیه به آن سفارش شده است. پیوندهای خانوادگی و بقای روابط عاطفی، بسیار ارزشمند است و روابط نزدیک بین اعضای خانواده، می‌تواند به بهبود کل جامعه منجر شود. اگرچه در آیه مذکور، اشاره به ارتباط خانوادگی به وسیله عبارت «ذی‌القربی» صورت گرفته است و همه باید حقوق خویشاوندان خود را رعایت کنند، در صورتی که بخواهیم یک خانواده ایده‌آل را به عنوان مثال بیاوریم، آن خانواده، خاندان پیامبر اعظم اسلام است. این خانواده کوچک که به اندازه جهان است، الگوی زندگی برای تمام مسلمانان باید باشد. مسلمانان باید این خانواده را خانواده خود بدانند، با آن‌ها ارتباط برقرار کنند و حقوق آن‌ها را رعایت کنند.

در این آیه شریف، خداوند انسان‌ها را از سه چیز نهی می‌کند: فحشاء، منکر و بغی. فحشاء، گناهی است که انسان به صورت آشکار و بی‌پرده به آن می‌پردازد و از آگاه شدن دیگران از



اعمالش، ترسی ندارد. منکر، گناهی است که برای همه آشکار است و همه آن را ناپسند و زشت می‌دانند. بغی، طلب کردن چیزی از دیگران از طریق زور و ستم است. این سه مفهوم، متضاد نیستند، بلکه در برخی موارد، با یکدیگر تداخل دارند و ممکن است یک گناه، به طور همزمان فحشاء، منکر و بغی باشد. (جعفری، ۱۳۹۸: ۲۰۴/۶)

در زندگی اسلامی، تأکید بر ارتباط با انسان‌های شریف، بزرگوار و محترمی است که انسان را به یاد خدا می‌اندازند و گفتارشان بر اخلاق و معرفت بشری می‌افزاید و روش زندگی آن‌ها، یادآور زندگی انسان‌های صالح است. (ابن شعبه، ۱۳۶۲: ۴۴؛ ابن بابویه، ۱۳۸۱: ۸۷/۱)

در سبک زندگی اسلامی، ارتباط انسان، تحت تأثیر تفکر اوست، زیرا فکر، مقدم بر عمل است. نوع تفکر افراد، مبدع فعالیت ارتباطی و سبک زندگی آن‌هاست. افکار انحرافی، می‌تواند باعث ایجاد سبک زندگی و ارتباط انحرافی شود. در آموزه‌های اسلامی، گاه ارتباط با افراد و گاه با گروه‌هایی از آنان، مانند اقوام، همسایگان، همکاران و فقرا، ذکر شده است.

۵. شکوفایی استعدادها

قرآن کریم به عنوان معلمی جامع، انسان را با پیچیدگی‌های جهان هستی آشنا می‌سازد. انسان به دلیل غرق شدن در زندگی مادی، از حقیقت هستی غافل شده است. قرآن کریم، این غفلت را مورد نکوهش قرار داده و انسان را به یادآوری عالم الست فرامی‌خواند. در این میان، نقش معلم و مربی در هدایت انسان به سوی کمال، بسیار حائز اهمیت است.

بر این اساس، دنیا، مدرسه تکامل و شکوفایی استعدادهای انسان است. اساتید دانشگاه، در واقع، زمینه‌ساز شکوفایی استعدادهای نهفته دانشجویان هستند و نه اعطاکننده استعداد. (امام خامنه‌ای،

دیدار قاریان قرآن، ۱۳۸۹/۴/۲۴، <https://khl.ink/f/>، ۹۷۴۳)



هیچ موجودی در جهان، از نظر توانایی و استعداد، ارزشمندتر از انسان نیست. همه انسان‌ها از این استعداد برخوردارند، اما میزان بهره‌برداری از آن در بین افراد متفاوت است. استعدادها، مختص انسان بوده و قابلیت شکوفایی دارند.

از منظر اسلام، قرآن کریم، راهی بی‌بدیل برای شکوفایی این استعدادها است. مقام معظم رهبری در مورد انگیزه و کارکردهای حفظ قرآن می‌فرماید: «حقیقت این است که ما هنوز با قرآن خیلی فاصله داریم. دل ما باید قرآنی شود. روح ما باید با قرآن مانوس باشد.

اگر بتوانیم با قرآن ارتباط برقرار کنیم و معارف قرآن در دل و جان ما نفوذ کند، زندگی و جامعه ما قرآنی می‌شود. نیازی به فعالیت، فشار یا سیاست‌گذاری ندارد، اصل اساسی این است که قلب و جان و علم ما واقعاً قرآنی باشد.

حفظ قرآن ما را به قرآن نزدیک‌تر می‌کند. این جلسات قرآنی، این دوره‌های قرآنی، این مسابقات قرآنی و این که ما متعهد به تربیت قاری و حفاظ دل هستیم، برای همین است. این‌ها همه مقدمه هستند؛ اما مقدمات لازم است.

ایشان در ادامه می‌فرمایند: «من بار دیگر به جوانان عزیزمان توصیه می‌کنم با قرآن ارتباط داشته باشند و قرآن را تجلیل کنند. «وَمَا جَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدٌ إِلَّا قَامَ عَنْهُ بِزِيَادَةٍ أَوْ نُقْصَانٍ زِيَادَةٍ فِي هُدًى أَوْ نُقْصَانٍ مِنْ عَمًى»؛ هر وقت بنشیني و قرآن بخوانی، حجاب جهلت از تو برمی‌خیزد؛ چشمه‌ای از نور در دل شما باز می‌شود و جاری می‌شود. شناخت قرآن، لقای قرآن، فهم قرآن و تدبر در قرآن لازم است.» (امام خامنه‌ای، دیدار قاریان قرآن، ۱۳۸۹/۴/۲۴، <https://khl.link/f/۹۷۴۳>)

۶. تحول فردی و اجتماعی

حفظ و تدبر در قرآن کریم، به عنوان یک منبع هدایت الهی، نقش بسزایی در تحول فردی و اجتماعی ایفا می‌کند. رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، با تأکید بر این نقش محوری، بیان می‌دارند: «حفظ قرآن باعث انس به قرآن می‌شود و انس به قرآن قلب ما را با



معارف قرآن بیشتر آشنا می‌کند. آنچه در جهان اسلام کم است دوری از معارف الهی و معارف قرآن است. قرآن کتاب حکمت و کتاب علم و کتاب زندگی است.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار قاریان و حافظان و اساتید قرآنی، ۱۳۹۰/۵/۱۱، <https://khl.ink/f/> (۱۶۸۵۱))

ایشان در ادامه، با اشاره به ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی، بر این نکته تأکید می‌کنند که قرآن کریم، راهنمای عمل در تمامی این ابعاد است. به عبارت دیگر، «زندگی ملت‌ها این است که با معارف قرآن آشنا شوند و به مقتضیات این معارف عمل کنند و به احکام قرآن عمل کنند.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار قاریان و حافظان و اساتید قرآنی، ۱۳۹۰/۵/۱۱، <https://khl.ink/f/> (۱۶۸۵۱))

ایشان در ادامه به مصادیقی از نقش قرآن در زندگی اجتماعی اشاره می‌کنند: «اگر مردم به دنبال عدالت هستند و از ظلم متفرند، راه مبارزه با ظلم را از قرآن بیاموزند؛ اگر مردم دانش‌آموز باشند و بخواهند زندگی خود را اصلاح کنند و با علم و دانش، آسایش و رفاه را فراهم کنند، قرآن راه را نشان می‌دهد. اگر مردم به دنبال ارتباط با خداوند متعال، طهارت روحی و معنوی و آشنایی با مقام قرب الهی هستند، راهش قرآن است.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار قاریان و حافظان و اساتید قرآنی، ۱۳۹۰/۵/۱۱، <https://khl.ink/f/> (۱۶۸۵۱))

همچنین تصریح می‌کنند، ضعف و عقب‌ماندگی امت اسلامی را ناشی از دوری از قرآن می‌دانند و معتقدند که «نقش قرآن این است که ما را از نظر ذات و معنا بالا ببرد؛ قرآن این کار را می‌کند.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار قاریان و حافظان و اساتید قرآنی، ۱۳۹۰/۵/۱۱، <https://khl.ink/f/> (۱۶۸۵۱))

رهبر معظم انقلاب، با اشاره به نمونه‌های تاریخی و معاصر، بر تأثیر عمل به آموزه‌های قرآن در پیشرفت و تعالی جوامع تأکید می‌کنند: «هرکس با تاریخ آشنا باشد نمونه‌هایی از آن را در تاریخ دیده است. ما مردم این زمانه نمونه‌هایی از آن را در زمان خود می‌بینیم. نمونه‌اش شما مردم عزیز



ایران هستید. به اندازه‌ای که ما به‌سوی قرآن، به‌سوی تعالیم آن گام برداشته‌ایم و آنچه به‌سوی قرآن برداشته‌ایم درواقع یک‌قدم جلوتر نیست - خداوند متعال ما را گرامی داشته، به ما حیات بخشیده، به ما علم داده است. و بینش و قدرت داده است.» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۵/۱۱). این بیانات نشان‌دهنده‌ی این است که حرکت به‌سوی قرآن و عمل به آموزه‌های آن، موجب رشد و تعالی فردی و اجتماعی خواهد شد.

۷. ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ قرآنی

انقلاب ما را وارد وادی معرفت قرآن کرده است. ما تازه‌وارد این وادی شده‌ایم، اگر در مملکتی مثلاً بیست یا بیست‌وپنج میلیون زن و مرد وجود داشته باشد، باید حداقل یک‌میلیون، دو یا سه میلیون پیرو قرآن با آداب و شرایط آن باشد. حداقل یک‌میلیون نفر از این جوانان باید کلام خدا را حفظ کنند. باید یک عده جوان تحصیل کرده باشند که معانی قرآن را بدانند و کلمات و معنای قرآن را بفهمند. تعدادی از متدینین باید از تلاوت‌ها، و زینت‌های تلاوت قرآن آگاه باشند و همه مردم این کشور بدون استثنا قرآن را از روی قلب تلاوت کنند، این قاعده است. این غیرقابل قبول است که در کشوری که مردم آن به اسلام معتقدند، افرادی - به‌استثنای کودکان بسیار خردسال - وجود داشته باشند که نمی‌توانند قرآن بخوانند. ناگفته نماند که مردم بر اساس اسلام زندگی نظامی می‌کنند. (امام خامنه‌ای سخنرانی، در پایان مراسم قرائت قاریان قرآن ۲۸/۰۹/۱۳۶۸، <https://khl.ink/f/>، ۲۲۳۴)

۸. تحولات عملی

حفظ و تلاوت قرآن کریم، به عنوان یک عمل دینی و فرهنگی، نه تنها موجب تقویت باورهای دینی و اخلاقی می‌شود، بلکه زمینه‌ساز تحولات عملی در سطح فردی و اجتماعی نیز است. رهبر معظم انقلاب با تأکید بر این بُعد از کارکرد قرآن، بیان می‌دارند: «تا زمانی که در ملت و جامعه احساس قدرت، توانایی و روحیه وجود دارد، هیچ‌کس نمی‌تواند بر آن غلبه کند؛ نه دشمن



خارجی و نه دشمن داخلی.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن، ۱۳۸۲/۸/۶،

<https://khl.ink/f/3200>)

ایشان در ادامه با استناد به حدیث نبوی «وَرَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَوَضَعَ دَوَاءَ الْقُرْآنِ عَلَى دَاءِ قَلْبِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص: ۶۲۷) بر این نکته تأکید می‌کنند که قرائت و حفظ قرآن نباید صرفاً به آداب و رسوم محدود شود، بلکه باید به عنوان منبعی برای درمان دردهای روحی و معنوی مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر، «داروی قرآن را بر درد جان و وجود و باطن خود بگذاریم و با قرآن این دردها را شفا و التیام بخشیم.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن،

<https://khl.ink/f/3200>، ۱۳۸۲/۸/۶)

تحقق این امر مستلزم ایجاد فضایی قرآنی در جامعه است که در آن، آموزه‌های قرآن به عنوان راهنمای عمل مورد توجه قرار گیرند.

همچنین، ایشان در بیانات دیگری، بر تأثیر مداومت بر حفظ و تلاوت قرآن در تعمیق فهم و درک معارف آن تأکید می‌کنند: «هر چه بیشتر با قرآن حفظ و تلاوت کنید، بیشتر به آن وابسته می‌شوید» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار قاریان قرآن کریم، ۱۳۸۴/۷/۱۴،

<https://khl.ink/f/3312>)

ایشان قرآن را به دریایی عمیق تشبیه می‌کنند که هر چه بیشتر در آن کاوش شود، معارف و حقایق بیشتری آشکار می‌شود. این امر، به برکت ارتباط مستمر با قرآن و تدبر در آیات آن حاصل می‌شود و موجب رسوخ علم و هدایت الهی در وجود انسان می‌گردد. به بیان دیگر، حفظ و تلاوت قرآن، تنها مقدمه‌ای برای درک عمیق‌تر معانی و مفاهیم آن است و این درک عمیق، زمینه‌ساز تحولات عملی در زندگی فردی و اجتماعی خواهد بود.



نتیجه

مطالعه‌ی جایگاه حافظان قرآن در نظام اسلامی نشان می‌دهد که حفظ قرآن کریم، فراتر از ارتقای فردی، تأثیرات عمیقی بر ساختار و پویایی جامعه دارد. اهمیت حفظ قرآن در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، به‌ویژه در صدر اسلام، و نقش آن در ارتقای منزلت اجتماعی و فرهنگی، به‌وضوح قابل مشاهده است. حافظان قرآن در نظام اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و به‌عنوان سرمایه‌های انسانی ارزشمند در مناصب و مسئولیت‌های اجتماعی شناخته می‌شوند. این افراد، با بهره‌مندی از آموزه‌های اخلاقی قرآن، به تقویت بنیان‌های اخلاقی جامعه کمک می‌کنند. همچنین، انس معنوی با قرآن، زمینه‌ساز شکوفایی استعدادها و رشد فردی و اجتماعی آنان می‌گردد. در اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب تکریم حافظان قرآن همواره مورد تأکید بوده و این افراد به‌عنوان الگوهای افتخار جامعه اسلامی معرفی می‌شوند. در نهایت، ترویج فرهنگ انس با قرآن و ایجاد فضای قرآنی در جامعه، منجر به تحولات مثبت در سطوح فردی و اجتماعی شده و در تحقق اهداف فرهنگی و اجتماعی اسلام نقشی مؤثر ایفا می‌کند.

منابع

قرآن کریم، با ترجمه رضایی اصفهانی، محمدعلی، قم، موسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، ۱۳۸۳.

۱. زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴.
۲. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲.
۳. ابن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، دارالمکتبه العلمیه، لبنان، ۱۴۱۰.
۴. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، قم، موسسه فرهنگی دارالحديث، ۱۳۹۳.
۵. ابن فارس، ابوالحسن احمد؛ معجم مقاییس اللغة، بیروت، دار الفکر، ۱۳۹۹.



۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴.
۷. بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵.
۸. جبران سعود، لغت‌نامه الرائد: فرهنگ الفبایی عربی - فارسی، مشهد، به نشر وابسته به استان قدس رضوی، ۱۳۹۳.
۹. جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، قم، موسسه انتشارات هجرت، ۱۳۷۶.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، لبنان، دارالشامیه، ۱۴۱۲.
۱۱. زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴.
۱۲. شیخ صدوق، کتاب الخصال، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵.
۱۴. طریحی، فخرالدین بن محمدعلی، مجمع البحرین، تهران، مکتبه المرتضویه، ۱۳۷۵.
۱۵. علامه عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، قم، المجمع العلمی الاسلامی، ۱۴۱۶.
۱۶. فاضلی، محمد، مصرف و سبک زندگی، قم، صبح صادق، ۱۳۸۲.
۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، محققین: مخزومی، مهدی؛ سارئی، ابراهیم، مؤسسه دارالهجره، ۱۴۰۹.
۱۸. کلینی، ابی جعفر بن یعقوب، الکافی، محقق: غفاری، علی‌اکبر، آخوندی، محمد، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
۱۹. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳.
۲۰. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحديث، تاریخ ۱۳۸۴.



۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰.
۲۲. نوری، میرزا حسین بن محمدتقی، مستدرک الو سائل و مستنبط المسائل، بیروت، موسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۸.
۲۳. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه، ۱۳۷۲.
۲۴. جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، قم، هجرت، ۱۳۹۸.
۲۵. سالم محسین، محمد، معجم حفاظ القرآن عبر التاريخ، بیروت، دارالجیل، ۱۴۱۲.
۲۶. ابن بابویه، محمد بن علی، خصال شیخ صدوق، تهران، کتابچی، ۱۳۸۱.
۲۷. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن، ۱۳۸۱.
۲۸. متقی هندی، کنز العمال، قم، موسسه فرهنگی دارالحديث، ۱۳۷۴.
۲۹. محمدی ری شهری، محمد، کلید حفظ قرآن، تهران، چاپ و نشر دارالحديث، ۱۳۹۴.



References

- The Holy Qur'an, trans. Mohammad Ali Rezaei Esfahani, Qom: Dar al-Dhikr Research Institute, ۲۰۰۴.
۱. Al-Kulayni, Abu Ja'far ibn Ya'qub, *Al-Kafi*, ed. Ali Akbar Ghaffari and Mohammad Akhundy, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, ۱۹۸۷.
 ۲. Allama Askari, *The Qur'an and the Narrations of the Two Schools*, Qom: Islamic Academic Assembly, ۱۹۹۵.
 ۳. Al-Majlisi, Muhammad Baqir ibn Muhammad Taqi, *Bihar al-Anwar*, Beirut: Al-Wafa Institute, ۱۹۸۳.
 ۴. Al-Nuri, Mirza Hussein ibn Muhammad Taqi, *Mustadrak al-Wasa'il wa Mustanbat al-Masa'il*, Beirut: Al al-Bayt Institute for Reviving Heritage, ۱۹۸۷.
 ۵. Al-Tabrisi, Fadl ibn Hasan, *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*, Beirut: Al-A'jami Publishing, ۱۹۹۴.
 ۶. Anvari, Hassan, *Sokhan Comprehensive Dictionary*, Tehran: Sokhan Publications, ۲۰۰۲.
 ۷. Boustani, Fu'ad Afram, *Abjadi Dictionary*, Tehran: Islami Publications, ۱۹۹۶.
 ۸. Dehkhoda, Ali Akbar, *Loghatnameh (Lexicon)*, Tehran: University of Tehran Publishing Institute, ۱۹۹۳.
 ۹. Farahidi, Khalil ibn Ahmad, *Al-Ayn*, ed. Mahdi Makhzumi and Ibrahim Sarai, Dar al-Hijrah, ۱۹۸۸.
 ۱۰. Fazeli, Mohammad, *Consumption and Lifestyle*, Qom: Sobh-e Sadeq, ۲۰۰۳.
 ۱۱. Ibn Babawayh, Muhammad ibn Ali, *Al-Khisal (Shaykh al-Saduq)*, Tehran: Ketabchi, ۲۰۰۲.
 ۱۲. Ibn Faris, Abu al-Hasan Ahmad, *Mu'jam Maqayis al-Lughah*, Beirut: Dar al-Fikr, ۱۹۷۹.
 ۱۳. Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukarram, *Lisan al-'Arab*, Beirut: Dar Sadir, ۱۹۹۴.
 ۱۴. Ibn Sa'd, *Al-Tabaqat al-Kubra*, Beirut: Dar al-Maktabah al-'Ilmiyyah, ۱۹۹۰.
 ۱۵. Ibn Shu'bah, Hasan ibn Ali, *Tuhaf al-'Uqul*, Qom: Dar al-Hadith Cultural Institute, ۲۰۱۴.
 ۱۶. Jafari, Ya'qub, *Tafsir Kawthar*, Qom: Hijrat Publications, ۱۹۹۷.
 ۱۷. Jafari, Ya'qub, *Tafsir Kawthar*, Qom: Hijrat Publications, ۲۰۱۹.



۱۸. Jubran Saud, *Al-Ra'id Arabic-Persian Dictionary*, Mashhad: Beh Nashr, ۲۰۱۴.
۱۹. Makarem Shirazi, Naser, et al., *Tafsir Nemuneh*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, ۲۰۱۱.
۲۰. Mohammad Reyshahri, *Key to Qur'anic Memorization*, Tehran: Dar al-Hadith, ۲۰۱۵.
۲۱. Mohammad Reyshahri, *Mizan al-Hikmah*, Qom: Dar al-Hadith, ۲۰۰۵.
۲۲. Muttaqi Hindi, *Kanz al-'Ummal*, Qom: Dar al-Hadith Cultural Institute, ۱۹۹۵.
۲۳. Qureshi Banaei, Ali Akbar, *Qamus al-Qur'an*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, ۱۹۹۱.
۲۴. Raghīb Isfahani, Hussein ibn Muhammad, *Al-Mufradat fi Gharib al-Qur'an*, Lebanon: Dar al-Shamiyyah, ۱۹۹۱.
۲۵. Salim Mohsin, Muhammad, *Ma'jam Huffaz al-Qur'an 'Abr al-Tarikh*, Beirut: Dar al-Jabil, ۱۹۹۲.
۲۶. Shaykh al-Saduq, *Kitab al-Khisal*, Qom: Jami'at al-Mudarrisin, ۱۹۸۳.
۲۷. Turaishi, Fakhr al-Din ibn Muhammad Ali, *Majma' al-Bahrayn*, Tehran: Al-Murtada Library, ۱۹۹۶.
۲۸. Zubaidi, Muhammad ibn Muhammad, *Taj al-'Arus min Jawahir al-Qamus*, Beirut: Dar al-Fikr, ۱۹۹۴.
۲۹. Zubaidi, Muhammad ibn Muhammad, *Taj al-'Arus*, Beirut: Dar al-Fikr, ۱۹۹۴.